

تاریخ هنر ایران

ART HISTORY OF IRAN

مدرس: محمد فر شاهیان

قسمت اول

هنر ایران در هنر جهانی، دارای ویژگی‌های منحصر به فردی است و دیدن آثار هنری ایران، بسیار برای بیننده لذت بخش است. هنر ایران به دلیل اتفاقات اجتماعی، سیاسی و عقیدتی که در طی سالیان برای ایران پیش آمده است، دارای تحولات بسیار شده است، اما با وجود تمام تحولات، به اصول خویش وفادار مانده، و توانسته تا سرحد کمال پیش رود. هنر ایرانی علیرغم تأثیرات هنر کشورهای دیگر، نوعی پیوستگی درونی در خود دارد.

آنچه در تاریخ هنر ایران بررسی می‌شود بیشتر مربوط به منطقه‌ای است که «نجد ایران»، نامیده می‌شود و شامل فلاتی وسیع است که در شرق توسط کوه‌های سلیمان، در غرب توسط کوه‌های زاگرس و در شمال توسط کوه‌های البرز محدود شده است. نجد ایران، تقریباً شامل ایران کنونی، افغانستان و بلوچستان پاکستان می‌باشد.

تاریخ هنر ایران دارای دو بخش اصلی قبل و پس از اسلام است. هنر پیش از اسلام در ایران، قدیمیترین آثار باقیمانده از تمدن‌های باستان تا پایان حکومت ساسانیان را شامل می‌گردد، که دارای تمدن‌هایی است که از برخی از آنها هنوز آثار زیادی کشف نشده و همچنان ناشناخته باقی مانده‌اند.

با حضور اسلام در ایران و گره خوردن فرهنگ و تمدن دیرینه ایران با تمدن اسلامی، فصلی جدید در هنر ایران باز می‌شود، که تا امروز ادامه دارد.

دوره‌های کهن هنر ایران، مانند هنر جهان دارای تقسیم‌بندی‌هایی حدودی است که با این عناوین مورد بررسی قرار می‌گیرد: ۱- عصر سنگ (پارینه سنگی، میانه سنگی، نوسنگی) ۲- عصر مس ۳- عصر مفرغ ۴- عصر آهن

اطلاعات به دست آمده از کاوش‌های باستان‌شناسان، هنوز بسیار کم و ناکافی هستند. باستان‌شناسان آثار یافت شده در «غار شکارچیان» در کوه‌های بیستون کرمانشاه، «غار تمتمه» در آذربایجان، «غارخونیک» در خراسان، را مربوط به دوره «پارینه سنگی» دانسته‌اند.

نمونه‌های اولیه سفال در ایران، از منطقه «گنج دره» کرمانشاه، و غارهای «کمربند» و «هوتو» در نزدیکی بهشهر به دست آمده‌اند، که نشان دهنده سفالگری در حدود ۸۰۰۰ سال ق. م می‌باشد. اما با توجه به این یافته‌ها می‌دانیم که از حدود هزاره ششم قبل از میلاد مسیح، کشاورزی و اهلی کردن حیوانات در ایران آغاز شد. در اطراف دریای خزر آثاری متعلق به هزاره هفتم قبل از میلاد به دست آمده است که از بقایای دوران میانه سنگی می‌باشند.

قدیمی‌ترین آثار و نقوش کشف شده در فلات ایران، شاید مربوط به غارهای لرستان باشد.



صخره‌نگاره، کوه‌دشت لرستان، حدود ۸ هزار سال ق. م.

تمدن‌های تپه سیلک کاشان، و تپه حصار دامغان، از میانه هزاره پنجم قبل از میلاد، در بخش‌های مرکزی و شمال شرقی ایران شکل گرفتند. مردمان منطقه سیلک، به کنده کاری بر روی استخوان و ساخت ظروف سفالی با رنگ‌ها و نقش‌های ساده پرداختند. با گذشت زمان، و با ابداع نوعی چرخ سفالگری، شروع به ساخت ظروف

سفالی با نقوش پرندگان و حیوانات به رنگ سیاه بر زمینه سفال قرمز نمودند.

در محدوده زمانی هزاره پنجم تا هزاره اول قبل از میلاد، نقاشی روی سفال، از شاخص‌ترین تولیدات تصویری سرزمین ایران بوده است. و تحول چندانی در نوع و مفاهیم نقاشی به وجود نیامده است. جلوه‌های بارز هنر تصویری کهن ایران را می‌توان بر روی سفالینه‌هایی یافت که از تپه سیلک «کاشان» و «تپه حصار دامغان» به دست آمده‌اند. در عصر مس و سنگ، حدود ۳۵۰۰ ق.م سفالینه نگاری در شوش به اوج کمال و ظرافت رسیده بوده است.



نمونه ای از مفرغ لرستان

مناطق «هوتو» و «کمربند» از مهم‌ترین غارهای باستانی کشور هستند که در «بهشهر مازندران» قرار دارند. باستان‌شناسان این مناطق را مربوط به دوره «نوسنگی» دانسته‌اند.

در حدود هزاره چهارم قبل از میلاد، که «عصر مس» در ایران می‌باشد. در این زمان با وجودی که ابزار سنگی و سفال هنوز کاربرد داشت، مس در ساخت برخی از ابزار و اشیا به کار گرفته شد. در این دوره سفالگری منقوش و مهرهای کنده کاری شده با علامات، تصاویر و اشکال هندسی رواج پیدا کرد. در این دوره تمدنی در استانهای فارس و خوزستان شناخته شده که تمدن «عیلام» نامیده می‌شود. در این دوره سفالینه نگاری در شهر «شوش» به اوج کمال و ظرافت رسید. خطوط و شکل‌ها را بسیار سنجیده بر روی ظروف به کار می‌بردند و سعی می‌کردند طرح با شکل کلی سفالینه هماهنگی داشته باشد.

آرتور پوپ، معتقد است که سفالینه منقوش را باید مانند «اولین کتاب بشر» تلقی کرد، چون طرح و نقش‌های روی این ظروف نشان دهنده بیم و امیدهای انسان در آن دوران است.

در حدود هزاره دوم قبل از میلاد، با اختراع و به کارگیری مفرغ، «عصر مفرغ» در ایران آغاز می‌شود. فلز مفرغ که «برنز» نیز نامیده می‌شود از ترکیب دو فلز مس و قلع ساخته می‌شود.

در حدود قرن ۱۲ قبل از میلاد، با رواج استفاده از آهن در ایران، «عصر آهن» آغاز می‌شود. از لرستان هزاران شیء آهنی و مفرغی به دست آمده است که نشان دهنده تمدن و فرهنگ پیشرفته‌ای است که هنوز به درستی شناخته نشده است. بیشتر این آثار از داخل گورها پیدا شده و مربوط به قرن‌های دوازدهم تا هشتم قبل از میلاد می‌باشند. تمدن‌های بسیاری در دوران کهن ایران وجود داشته، که تنها آثار اندکی از برخی از آنها به دست آمده است. در هنر ایران همیشه به ساده‌سازی نقوش پرداخته شده است، به عنوان مثال نقش بعلاوه (+). این نقش به صورت بعلاوه یا بعلاوه شکسته (صلیب شکسته)، بر روی اشیاء باستانی در نقاط مختلفی مانند مصر، بین‌النهرین و ایران، از دوره نوسنگی به بعد دیده می‌شود. این نقش تزئینی، معمولاً بر روی ران یا شانه نقوش حیوانات دیده می‌شود و در ایران نمادی از خورشید در حال چرخش است.

تصویر ساده شده «بز کوهی» نیز روی سفال‌های باستانی بسیار پیدا شده است. در اقوام باستانی، بز کوهی را مظهر یکی از عناصر مفید طبیعت می‌دانستند. در لرستان، بز کوهی، سمبل «خورشید» و گاهی نمادی از «باران» است. زیرا در آن زمان ماه را با باران مربوط می‌دانستند، و خورشید را با گرما و خشکی مرتبط می‌دانستند. بین بز کوهی با آن شاخ‌های خمیده و منحنی و هلال ماه رابطه‌ای وجود داشته است. به همین دلیل بود که آنها اعتقاد داشتند شاخ‌های قوسی شکل بز کوهی می‌تواند باعث ریزش باران شود. در شوش و عیلام باستانی، بز کوهی را سمبلی از کامیابی و خدای زندگانی گیاهی می‌دانستند.

علاوه بر نقش ساده شده بز، تصاویر دیگری مانند: حیواناتی نظیر قوچ، گوزن، برخی پرندگان و موجودات افسانه‌ای، در شکل‌ها و حالت‌هایی ساده و گاه اغراق‌آمیز، تصویر شده‌اند. همچنین کوه، گیاهان، خورشید، زمین، جویبار و ... نیز به شکل‌های ساده شده، دیده می‌شوند. هنرمندان سفالگر در این دوران همه چیز را ساده می‌کند و به نشانه و علامت تبدیل می‌نماید. در این آثار اغلب مربع نشانه زمین، دایره نشانه آسمان و مثلث نماد کوه است. این نقوش غالباً تک رنگ سیاه یا قهوه‌ای و گاهی آخریایی بر زمینه روشن سفال، به صورت تخت و دو بعدی اجرا شده‌اند.

تمدن لرستان

از مهم ترین و قدیمی ترین تصاویر دوران غارنشینی انسان در ایران می توان نقوش یافت شده در منطقه «کوهدشت لرستان» را نام برد.

نقاشیهایی بر دیواره های جنوبی و شمالی غارهای «میر ملاس»، با فاصله ای حدود ۳۰ کیلومتر از شهر کوهدشت باقی مانده است. صحنه هایی که با رنگ های قرمز، سیاه و زرد از رزم انسان و حیوان و شکار و نقوش حیواناتی مثل گوزن، بز کوهی، سگ و اسب کشیده شده است.

همچنین نگاره هایی در کوه «همیان» و غار «دوشه» در لرستان یافت شده است که رویهم بیش از صد نقش



مفرغ لرستان

گونگون با رنگ سیاه و با همان موضوعات رزم انسان و حیوان در آن دیده می شود. بیشتر این نقاشی ها به شیوه ای ساده و ابتدایی کشیده شده اند و حیوانات بیشتر از پهلوی و انسان ها گهگاه از روبرو تصویر شده اند. در نمایش پیکره ها و حرکات، صراحتی بسیار اغراق آمیز دیده می شود. تصویرگر پیشا تاریخی طبیعت نگار نبوده و علاقه ای به تقلید از ظواهر عینی موجودات و اشیاء نداشته است. ترسیم این تصاویر با اعتقادات جادویی مردم غارنشین منطقه لرستان ارتباط داشته است.

مهم ترین آثار به دست آمده در لرستان، «مفرغ های لرستان» می باشد. هنر لرستان هنری حاوی مفاهیم رمزی و

مذهبی است که مقاصد کاربردی و اعتقادی دارد.

بیشترین آثار به دست آمده در این تمدن، از درون گورها کشف شده است و شامل آثار مفرغین بسیار زیبایی است. وسایلی مانند: ظروف گوناگون، سیتولا، سرتبر، دهنه اسب، و ابزار جنگی و طلسم‌ها و مجسمه‌های کوچک نمونه‌هایی از اشیاء مفرغی یافت شده در لرستان هستند. «سیتولا» (Situla)، جام‌های مفرغی باریک و بلند با ته مخروطی شکل هستند که در میان برنزهای لرستان و آثار عیلام دیده می‌شود.

صنعت مفرغ در لرستان بیشتر مربوط به سال‌های بین ۱۲۰۰ تا ۷۰۰ قبل از میلاد است.

علاوه بر نقوش مذهبی و خدایان، نقوش حیوانی مانند حیوانات اساطیری، اهلی (شیر، قوچ، شتر، گاو) و حیوانات وحشی در آثار فلزی این تمدن به چشم می‌خورد. بیشتر آثار مفرغی لرستان برای کاربرد روزمره بوده ولی فرم و شکل آنها شباهت خیلی کمی به طبیعت دارد و بیشتر دارای جنبه نمادین و رمزی است و نشان دهنده عقاید مذهبی آنهاست.

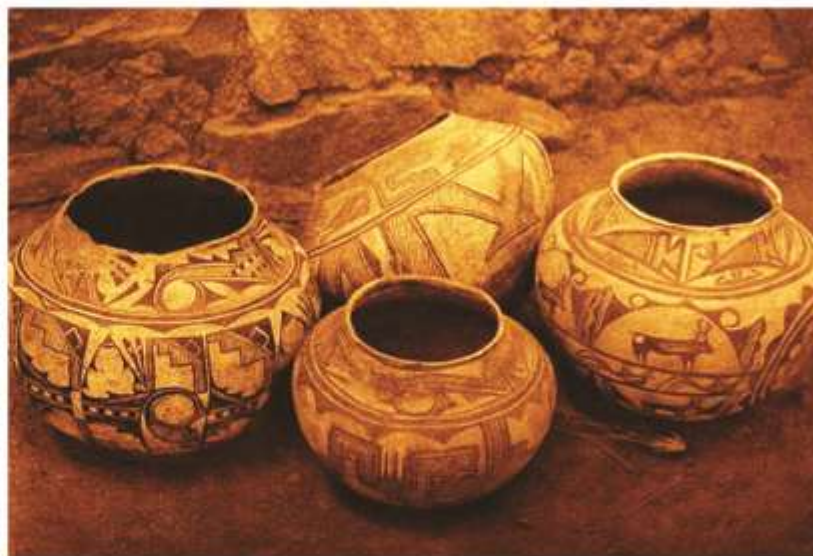
تمدن تپه سیلک (Sialk) در کاشان

این تپه، از نخستین محل‌های سکونت انسان در ایران است و یکی از مهم‌ترین مراکز باستانی می‌باشد. «رمان گیرشمن»، سیلک کاشان را قدیمیترین محل سکونت بشر در دشت شناخته است.

منطقه باستانی سیلک در ۳ کیلومتری سمت جنوب غربی شهر کاشان قرار دارد و دارای دو تپه شمالی و جنوبی و ۵ لایه دوره تمدنی است. دوره این تمدن از حدود شش هزار سال قبل از میلاد تا حدود ۱۲۰۰ سال قبل از میلاد بوده است.



تپه شمالی کوچکتر و دارای معماری ابتدایی با خشت خام است. تپه جنوبی بزرگتر و جدیدتر از تپه شمالی است، دارای اتاق‌های کوچک و راهروها، و خشت‌های بزرگ قالبی است. ساکنین این تپه باستانی، ابتدا برای تهیه غذا، دامپروری و کشاورزی را آغاز کردند و وسایلی که مورد نیازشان بود را با سفال تهیه کردند. ظروف و کوزه‌های سفالی منقوش که با تصاویر جانوران یا نقوش هندسی و یا ترکیبی از هر دو زینت یافته‌اند، از مهم‌ترین آثار یافت شده در این دوران هستند. مردم این منطقه بر روی ظروف سفالین نخودی رنگ یا صورتی رنگ، با رنگ‌های قرمز، سیاه و قهوه‌ای نقوش ساده شده مورد نظرشان را ترسیم می‌کردند.



در گورهای کشف شده در تپه سیلک کاشان، ظروف، جواهرات و اسلحه یافت شده‌اند. این وسایل بیشتر سفالین و یا مفرغی هستند و خیلی کم وسایلی از جنس طلا یا نقره پیدا شده است.

دسته چاقویی از جنس استخوان که به شکل مردی که لنگی را به همراه کمر بند به کمر بسته است نشان می‌دهد، قدیمی‌ترین نمونه از هنر پیکره‌سازی ایران است، که متعلق به تمدن سیلک بوده و در موزه ایران باستان نگهداری می‌شود.



قسمت دوم

تمدن املش

منطقه‌ای در دامنه غربی البرز به سوی دریای خزر، که شامل مناطقی چون (کلاردشت، املش، مارلیک و کلوزر) می‌باشد، به طور کلی تمدن «املش» نامیده می‌شود. آثار به دست آمده از این منطقه مربوط به هزاره دوم تا اوایل هزاره اول قبل از میلاد می‌باشند.

واژه «املش»، علاوه بر اینکه سفال‌هایی با شکل و رنگ و نقوش تزئینی را در بر می‌گیرد، ظرف‌های جالب و زیبایی به شکل مجسمه حیوان یا انسان را نیز شامل می‌شود.

مردم این منطقه به سفالگری و فلزکاری می‌پرداختند و به خصوص ظرف‌های سفالی می‌ساختند که شکل «نره گاو کوهان دار» داشتند. گوزن، گوسفند و بز با شاخ‌های گره دار و منحنی، و مجسمه‌های انسان‌ها (زن و مرد) که اکثراً برهنه هستند از دیگر آثار این منطقه می‌باشند.

ظروف سفالین از سفال‌هایی با رنگ‌های مختلف مانند سیاه، خاکستری، قرمز و نخودی ساخته شده‌اند و با صیقل زدن، نقر کردن یا مهر زدن روی آنها نقش انداخته‌اند. برخی از آنها را با قرمز یا سفید، رنگ کرده‌اند.

از مردم این منطقه ظروف و جام‌های طلا و نقره و زیور آلات و گردنبند‌های زرین به جا مانده است که نشان دهنده ثروت زیاد مردم این منطقه می‌باشد.

کلاردشت



جام طلای کلاردشت

نخستین آثار کهن پیدا شده در کلاردشت، در سال ۱۳۱۳ هجری، به طور اتفاقی و در حین عملیات ساختمانی در کاخ رضا شاه پیدا شد. تعدادی قبر با اسکلت‌ها و هدایای موجود در آنها کشف شد که بیست ظرف سفالی و اشیایی ساخته شده از مفرغ و طلا در بین آنها بود. احتمالاً این آثار مربوط به دوره مادها بوده و قدمت آنها تا نیمه دوم قرن هشتم پیش از میلاد می‌رسد.

یکی از مهم‌ترین و زیباترین ظروف به دست آمده از منطقه کلاردشت، یک جام یا کاسه طلایی، معروف به «جام کلاردشت» است که بر بدنه آن پیکره‌های برجسته شیر نقش شده است. سر شیرها جداگانه ساخته شده و بر نقش برجسته بدنه اضافه شده است.



تمدن تپه مارلیک در گیلان

منطقه مارلیک در دره گوهر رود در ۱۴ کیلومتری شرق رودبار در استان گیلان قرار دارد. از این منطقه ظروف و اشیاء برنزی، سیمین و زرین یافت شده است که نشان می‌دهد مردم مارلیک دارای ثروت فراوان بوده‌اند. آثار یافت شده در مارلیک، مربوط به زمان ورود آریایی‌ها و مربوط به اواخر هزاره دوم و اوایل هزاره اول پیش از میلاد می‌باشند.

ظروف فلزی ساخته شده از طلا و نقره و مفرغ که با نقوش جانوران اساطیری و نقوش گیاهی آراسته شده‌اند، قطعات پارچه، ظروف شیشه‌ای و مهرهای استوانه‌ای در این منطقه به دست آمده‌اند.

مهم‌ترین آثار به دست آمده از مارلیک، جام‌های طلایی هستند که عمدتاً از یک ورق طلا ساخته شده‌اند و با نقوش بسیار دقیق، ظریف و زیبا تزئین شده‌اند. نقوش حیوانی در این جام‌ها طوری ساخته شده‌اند که سر جانور به صورت کاملاً برجسته و جدا از جام و بیرون آن نشان داده شده است. در برخی از این جام‌ها، سرها به صورت جداگانه ساخته شده‌اند و بر روی جام نصب شده‌اند، اما در برخی دیگر سرهای جانوران با چکش کاری برجسته شده‌اند.

«جام طلایی مارلیک» یکی از جام‌های بسیار زیبا و عالی این منطقه می‌باشد، که نقش دو گاو نر بالدار که در دو سوی درخت زندگی قراردارند به صورت برجسته بر روی آن نقش شده است. این اثر که ۱۸ سانتی متر ارتفاع دارد، در موزه ایران باستان نگهداری می‌شود.





یکی دیگر از جام‌های معروف که در منطقه مارلیک یافت شده، جام زرینی

است با نقش برجسته «اسب شاخدار».

گاوهای سفالین و تصاویر انسان‌هایی که روی پیه سوزهای سفالی نقش شده‌اند

از دیگر آثار یافت شده در مارلیک می‌باشند.



تمدن مانایی

ناحیه مغرب دریاچه ارومیه، را در اوایل هزاره اول قبل از میلاد (پیش از تمدن ماد)، تمدن مانا، یا «کشور مانایی» می‌نامیدند، دو منطقه و تمدن باستانی مهم این بخش «تپه حسنلو» و «تپه زیویه» می‌باشند:

تپه حسنلو در آذربایجان غربی

این تپه در جنوب غربی دریاچه ارومیه و نزدیک شهر نقده در مجاورت دهکده حسنلو قرار دارد. تپه ای است بزرگ، مدور، ۲۰ متر ارتفاع و حدود ۲۷۰ متر قطر دارد.

در این تپه بقایای کاخ‌هایی دیده می‌شود که در سده‌های چهاردهم تا هشتم قبل از میلاد ساخته شده است. مهم‌ترین این بناها «دژ حسنلو» نامیده می‌شود، این دژ که در حدود سده نهم قبل از میلاد ساخته شده دارای اطاق‌ها، تالارها، ستون‌ها و حیاط با سنگ، گچ، آجر و خشت بر طبق اصول معماری است.

در این منطقه، ظروف سفالی خاکستری و قرمز ساده، ظروف فلزی از جنس طلا، مفرغ و آهن یافت شده است، و مهم‌ترین اثر کشف شده در این تپه «جام حسنلو» نام دارد که از طلا ساخته شده و مربوط به حدود سده دوازدهم قبل از میلاد است.

بر روی آن نقوشی وجود دارد که نشان دهنده مراسم مذهبی و چند موضوع اساطیری و مذهبی از آن دوران است.







درخت زندگی، نقش استیلیزه دو انسان، یا دو حیوان مانند بز، یا دو موجود خیالی که در طرفین یک درخت ایستاده‌اند. این نقش نماد حیات و تجدید حیات، مرکز جهان و بی مرگی است. زادگاه این نقش بین النهرین و تمدن سومر است و بعد از آن در هنر بابل، آشور، عیلام و به خصوص در آثار مفرغی لرستان دیده می‌شود. در دوره‌های بعد در هنر ایران نیز این نقش به اشکال گوناگون دیده می‌شود.



تپه زیویه

تپه زیویه در نزدیکی شهر سقز در استان کردستان قرار دارد. در این منطقه اشیایی از جنس طلا، مفرغ و عاج پیدا شده که حدوداً مربوط به سده هفتم قبل از میلاد می‌باشد. ظروف سفالین و لعابدار و جام‌هایی که شبیه به سر انسان یا حیوان و یا شاخ هستند نیز در این منطقه یافت شده است.

قسمتی از یک ظرف که در این کاوش‌ها به دست آمده است قطعه‌ای از یک ظرف شکسته با دسته‌ای به شکل عقاب است که از خمیر لاجورد ساخته شده و این قطعه ۱۴/۴ سانتی‌متر ارتفاع دارد. احتمالاً این ظرف در مراسم مذهبی و یا در ارتباط با تدفین استفاده می‌شده است. سفالگران زیویه با ساختن ظروف سفالین اغلب با نقوش کنده و به ندرت با نقوش تزئینی به رنگ آجری و نخودی پرداخته‌اند. ظروف معمولی به صورت بسیار ظریف و اکثراً با چرخ سفالگری ساخته شده‌اند. ریتون‌های یافت شده در زیویه به علت تعداد، اندازه و رنگ آمیزی آنها بسیار مورد توجه قرار گرفته‌اند. بیشتر ریتون‌هایی به شکل سر یک حیوان، و یا به شکل مرغابی می‌باشند.

در زیویه اشیاء و زینت آلات طلایی شامل مجسمه‌های طلایی، پلاک‌های طلایی، تزیینات و وسایل زینتی زنانه و ظروف و اشیاء متفرقه طلایی یافت شده‌اند. مجسمه طلایی به شکل بز کوهی با شاخ‌های بلند و پیچیده و یا به شکل عقاب. پلاک‌های طلایی که در این منطقه یافت شده‌اند دارای نقوش شیر و گوزن، بز، جدال شیر با انسان و طوق هلالی با نقوش انسان، حیوان و شیر بالدار می‌باشند.





تمدن شهر سوخته

بقایای شهر سوخته در ۵۶ کیلومتری شهر زابل در استان سیستان و بلوچستان در ساحل رود هیرمند، قرار دارد. این منطقه یکی از مهم‌ترین مراکز عصر مفرغ در شرق ایران است.

در هزاره سوم و دوم قبل از میلاد، شهر سوخته به مدت هزار سال شهری آباد و مسکونی بوده است. خانه‌هایی که «پلکانی» و «بنای کاخ سوخته» نامیده می‌شوند مهم‌ترین آثار معماری این منطقه هستند. درگاه‌ها، پنجره‌ها و کف اتاق‌ها پوششی از نوعی ترکیب گل و مواد آهکی داشته‌اند. همچنین از «تنبوشه» که لوله‌های بزرگ و سفالی برای آب رسانی بوده، استفاده شده است. وجود خانه‌ها و کوچه‌های منظم و سیستم آبرسانی نشان دهنده برنامه‌ریزی دقیق شهری می‌باشد.

نساجی و پارچه بافی، وجود بازی‌های فکری و همچنین کشف خط کش از جنس آبنوس، جراحی مغز یک دختر نوجوان و وجود چشم مصنوعی برای یک زن همگی نشان دهنده تمدن قوی این شهر است. یکی از مهم‌ترین کشفیات در این شهر، لوح گلی است که متعلق به دوره عیلامیان می‌باشد، قدمت این گل نوشته به حدود ۳۲۰۰ سال قبل از میلاد می‌رسد.

در یک گور ۵ هزار ساله در شهر سوخته، جام سفالی پیدا شده که بر روی آن نقش یک بز در حالت‌های مختلف در حال خوردن برگ‌های یک درخت کشیده شده است، که محققان آن را به عنوان «اولین انیمیشن جهان» مطرح کرده‌اند.







تپه حصار دامغان

یکی از مناطقی که ویرانه‌های کاخ و بناهای دوره ساسانیان در آن باقیمانده است، منطقه باستانی «تپه حصار» در دامغان است. قدمت تمدن پیش از تاریخ این تپه از هزاره چهارم تا هزاره اول پیش از میلاد است. در تپه حصار بقایایی از قلعه‌ای به جای مانده است که قدمت آن را ۷۰۰۰ سال دانسته‌اند. تپه حصار در هزاره سوم و چهارم ق. م از مراکز مهم تولید اشیاء سنگی و فلزی در فلات ایران بوده است و تعدادی گل نوشته به خط میخی بابلی مربوط به دو هزار سال ق. م کشف شده است.



تورنگ تپه

این منطقه باستانی، در ۱۷ کیلومتری شمال شرقی گرگان قرار دارد. از مجموعه چند تپه یا برجستگی نزدیک به یکدیگر تشکیل شده است که بزرگترین آن‌ها ۳۴/۵ متر از سطح زمین‌های دشت اطراف بلندتر است. در اولین دوره حفاری، سه طبقه شناسایی شد و بعد از سی سال در ۱۳ فصل کاوش، ۹ دوره فرهنگی دیگر در این مکان باستانی شناسایی شد. آثار کشف شده به هزار پنجم ق.م تعلق دارند. آثاری از عصر برنز و آهن، و دوره‌های هخامنشی، هلنیستی، اشکانی، ساسانی و اسلامی از این تپه به دست آمده است.

تمدن عیلام

تمدن عیلام (ایلام)، یکی از نخستین و قدیمیترین تمدن‌های بزرگ جهان و یکی از مهم‌ترین بخشهای تاریخ ایران باستان می‌باشد. این تمدن در اواخر هزاره چهارم قبل از میلاد، و حدود ۳۲۰۰ قبل از میلاد، در خوزستان شکل گرفت، و شهر «شوش»، مرکز این تمدن بود. عیلامی‌ها ابتدا «خط تصویری» و سپس نوعی «خط میخی» را به کار می‌بردند.

تمدن عیلام میانی بر اساس میزان رشد و پیشرفت به ۳ دوره تقسیم بندی می‌شود: عیلام آغازین - عیلام میانی - عیلام نو.

عیلامی‌ها همسایه تمدنهای بزرگ سومر، اکد و بابل بودند و دارای فرهنگ و خط خاص خود بودند. آنها توانستند بر حکومت سومر پیروز شوند و پایتخت سومریان یعنی شهر اور را به تصرف درآورند.

تمدن عیلام در زمان پادشاهی «اونتاشگال»، در اوایل قرن سیزدهم (حدود ۱۲۵۰ قبل از میلاد)، به اوج قدرت رسید. مرکز حکومت اونتاشگال، «دور اونتاشگال» (یا شهر اونتاشگال) بود و او «زیگورات چغازنبیل» را برای پرستش خدای شهر شوش، «اینشوشیناک»، بنا کرد.

زیگورات چغازنبیل که «کهن‌ترین بنای ایران» و مهم‌ترین بنای عیلامیان می‌باشد در ۳۰ کیلومتری جنوب شرقی شهر شوش و در کنار رود دز قرار دارد و از خشت ساخته شده است. این زیگورات معبدی هرمی شکل و پنج طبقه بوده که دو طبقه بالایی آن از بین رفته و در حال حاضر سه طبقه آن باقیمانده است. باقیمانده زیگورات چغازنبیل ۲۵ متر ارتفاع دارد ولی به احتمال زیاد در گذشته کل ساختمان حدود ۵۰ متر ارتفاع داشته است.

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های این زیگورات، وجود طاقهای متعدد ضربی و با طرح نیم دایره می‌باشد.

هر طبقه از این زیگورات دارای یک رنگ بوده و برای عبادت قشری خاص در نظر گرفته شده بود و بالاترین طبقه مخصوص افراد خاص و مقربان و کاهنان بود و محل نگهداری تندیس نماد خدای شوش، اینشوشیناک، بود.













یکی از شگفتی‌های زیگورات چغازنبیل، استفاده ایرانیان برای اولین بار از «لعاب کاشی» است. همچنین عده‌ای از محققان معتقدند که ردیف مليله‌های باریک شیشه‌ای که در ورودی معبد برای تزئین استفاده شده، اولین «کاربرد شیشه در معماری» محسوب می‌شود.

قدیمی‌ترین طاق قوسی شکل ایران در یک بنا را می‌توان در زیگورات چغازنبیل و در سقف پله‌های آن مشاهده کرد. شکل این طاق‌ها بدون تیزه و مانند قسمتی از کمان دایره است که «طاق گهواره‌ای» نامیده می‌شود. آنچه در بررسی آثار باقیمانده از تمدن عیلام در شوش مشخص می‌شود، این است که در این آثار مانند آثار باقیمانده از تمدن سیلک پیوند میان زندگی و آثار هنری دیده می‌شود. به احتمال زیاد این آثار فقط جنبه‌ی هنری نداشته‌اند. در آثار عیلامیان شباهت‌های فراوانی با آثار باقیمانده از تمدن بین‌النهرین دیده می‌شود. از حفاری‌های «شوش» و «هفت تپه» تعدادی پیکر و لوحه به دست آمده که هنر پیکر سازی عیلامیان را نشان می‌دهد. این مجسمه‌ها نشانگر خصوصیات فرهنگی مردم عیلام می‌باشند، مانند پوشاک، زیور آلات و نحوه زندگی آنها. این مجسمه‌ها مگر در موارد استثنایی، از مردم عادی تهیه نشده است، و لباس آنها اکثراً نوعی ردای بلند بوده است.

مجسمه‌ها و پیکره‌هایی که از تمدن عیلام باقیمانده و در شهر شوش پیدا شده‌اند، تأثیر مذهب بر هنر را در این تمدن نشان می‌دهد. اکثر پیکره‌ها، به گونه‌ای هستند که در حال احترام گذاشتن می‌باشند.

یکی از معروف‌ترین این مجسمه‌ها، پیکره «مرد نیایشگر» است که فلزی است و در شوش پیدا شده است.

مجسمه مفرغی بدون سر «ملکه ناپیرآسو»، همسر اونتاشگال، پادشاه عیلام، در شهر شوش و در یک معبد پیدا شده، که از نظر نوع پوشش و لباس‌های زنان ایرانی در سده ۱۳ قبل از میلاد، اهمیت دارد. این مجسمه هم اکنون در موزه لوور پاریس نگهداری می‌شود.

آثار سفالین، فلزکاری و نقش برجسته عیلامیان نیز بسیار دارای اهمیت هستند. و بیشتر پیکره‌های الهه باروری، و حیوانات تلفیقی تصویر شده‌اند. در اکثر سفال‌هایی که از شوش بدست آمده است مانند سفال‌های سیلک، کاربرد یک رنگ، به خصوص رنگ سیاه در ترسیم نقوش روی آنها، دیده می‌شود، و این از وجوه مشترک آنها می‌باشد.



مجسمه فلزی مرد نوبتنگر، ایران



مجسمه مفرغی باروکش مسی، ملکه نپیرآسو



نقشبرجسته زن عیلامی در حال نقریسی

نقوش واقع‌گرایانه و به صورت بازنمایی طبیعی کار شده‌اند و یکی از معروف‌ترین این نقش‌ها در لوح سنگی که در شوش به دست آمده می‌باشد که در این تصویر به وضوح بازنمایی یک زن عیلامی در حال نخ‌ریسی به همراه خدمتکارش نشان داده شده، و جزئیات آرایش موی زن و خدمتکار، جامه، وسایل و زیورآلات نشان داده شده است.

تمدن عیلام، با ظهور مادها و پارس‌ها در غرب و جنوب ایران، تضعیف شد و سرانجام در سال ۶۴۵ قبل از میلاد، به دست آشور بانیپال، تصرف گردید.

قسمت سوم

پیدایش خط در ایران

آغاز خط و کتابت در ایران، با اقتباس از خط میخی تمدن های بین‌النهرین همراه بود، اما عیلامی‌ها به عنوان اولین حکومت مقتدر ایرانی، راه مستقلى را در این زمینه طى کردند. آنها موفق شدند علائم خط میخی را که نزد سومریان تا ۲۰۰۰ و نزد بابلی‌ها و آشوری‌ها تا ۸۰۰ علامت داشت را به ۳۰۰ علامت کاهش داده و خط خود موسوم به «خط عیلامی» را به وجود آورند. یافته‌های باستانشناسی در منطقه باستانی جیرفت، شواهدی بر وجود نوعی خط هندسی با سلیقه کهن تر از خط سومری را ارایه می دهد که استناد بر آن نیازمند تحقیقات بیشتر است. آریائیان (مادها و پارس‌ها) پس از ورود به ایران خط عیلامی‌ها را اخذ کرده و با ابتکاری در خور تحسین آن را ساده کرده و به ۴۲ علامت کاهش دادند. در زمان هخامنشیان این خط با عنوان «میخی پارسی» به تکامل رسید و به‌عنوان خط رسمی کتیبه نگاری آن عصر بکار رفت. از این میان می توان به کتیبه‌های بیستون، تخت جمشید و پاسارگاد اشاره کرد. همزمان با خط میخی

پارسی، خط آرامی نیز در این دوره متداول بود که به سبب سهولت در نگارش در امور دیوانی بکار می‌رفت. قدیمی‌ترین نمونه این خط در کتیبه نقش رستم و سکه‌های پادشاهان ایران باستان دیده می‌شود. بعدها در دوره اشکانیان، ایرانیان با استفاده از خط آرامی، «خط پهلوی» را بوجود آوردند که مطابق با روحیه ایرانی حالتی منعطف و دوار داشت. با ظهور این خط، خط آرامی به تدریج منسوخ گردید. در زمان ساسانیان با اقتباس از خط پهلوی، خط جدیدی برای نگارش کتاب دینی اوستا بکار رفت که به «خط اوستایی» شهرت یافت، و از نظامی قدرتمند و دقیق برخوردار بود. گرچه بعد از ورود اسلام این خطوط به تدریج کنار گذاشته شدند اما روحیه موجود در آنها، شامل خط‌های منحنی، دورها و دندانها، نقش مهمی در شکل‌گیری قلم‌های جدیدی داشت که ایرانیان در خط عربی ابداع کردند.

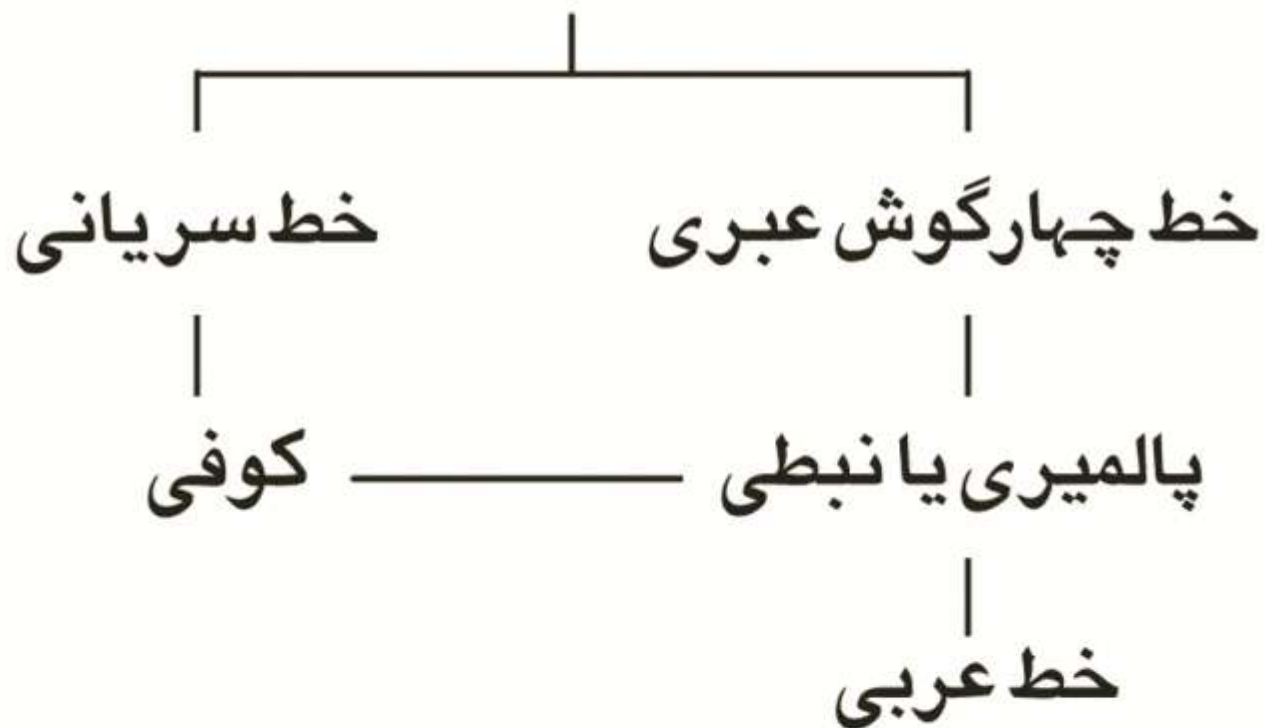
קזח טיח יחח יחח יחח יחח יחח יחח יחח יחח
קזח יחח יחח יחח יחח יחח יחח יחח
יחח יחח יחח יחח יחח יחח יחח יחח

خط آرامی | بين النهرين

אפודא ותמין טז מח ננטר 969 ט
טז אפודא ותמין אל טמא ול טמא
מח 969 ל טמא ימא דג אט טל

خط نبطي | بئرا، اردن

خط آرامی در قرن های دوم و سوم قبل از میلاد



تمدن آریایی

موقعیت جغرافیایی ایران، به دلیل دو شکاف زره کوهستانی، یکی در شمال شرقی (خراسان) و دیگری در شمال غربی (آذربایجان) باعث می‌شد که اقوام مهاجم از این گذرگاه‌ها گذشته و وارد ایران شوند. قدیمی‌ترین و عمده‌ترین مهاجرت تاریخی به طرف ایران مهاجرت آریاییان است. این اقوام از دو گذرگاه گذشتند و در قسمت‌های غربی ایران سکونت کردند.

به طور کلی مهاجرت‌های مهم و اصلی به ایران در ۳ موج مهم و مشخص انجام شده است:

- ۱- آزیاتیک، در حدود هزاره چهارم پیش از میلاد، که این اقوام را نخستین مهاجرانی دانسته‌اند که پیش از اقوام هندو اروپایی از سرزمین شمالی (دشت‌های اوراسی) سرازیر شدند.
- ۲- هند و اروپایی، در حدود هزاره سوم پیش از میلاد.
- ۳- آریایی‌ها، در حدود هزاره دوم پیش از میلاد، که مهم‌ترین آنها مادها و پارس‌ها بودند. آریایی‌ها به دو شاخه شرقی و غربی در فلات ایران منتشر شدند.

ایرانیان (آریایی‌ها) نتوانستند به مغرب نفوذ کنند، به دلیل آن که در آن زمان تمدن‌های نیرومندی در مغرب فلات ایران وجود داشتند که عبارت بودند از:

۱- عیلام

۲- بین‌النهرین

۳- دولت اورارتو، که در قسمت شمال و شمال شرقی دریاچه «وان» قرار داشت.

آخرین دسته از ساکنانی که پیش از مادها در مغرب فلات مستقر شدند، اقوامی به نام‌های «گوتی‌ها، لولوبی‌ها، میتانی‌ها و کاسی‌ها» بودند، که مربوط به مهاجران هزاره سوم قبل از میلاد می‌باشند. براساس متن‌هایی که از کتیبه‌های «آشوری» به جا مانده است، «لولوبیان» در نقاط غربی‌تر در هزاره اول قبل از میلاد ساکن بودند. «کاسی‌ها» در بخش‌های علیای رودخانه‌های «دیاله» و «کرخه» بودند. و «هوریان» در بعضی نواحی مجاور دریاچه ارومیه زندگی می‌کردند.

در کتیبه معروف «نارام سین» که مربوط به حدود ۲۵۰۰ سال قبل از میلاد است، شرح لشکرکشی نارام سین و پیروزی او بر طایفه «لولوبی» و دیگر طوایف آمده است.

در نقش برجسته معروف «آنوبانی نی»، پادشاه لولوبی‌ها که در سر پل ذهاب قرار دارد، آنوبانی نی را با الهه «ایشتار» و اسرا نشان می‌دهد.

اقوام آریایی در ایران به دو گروه «ماد» و «پارس» تقسیم شدند و هر کدام تمدن مهمی را در ایران ایجاد کردند.



تمدن مادها

با ورود آریایی‌ها به فلات ایران، تعدادی از آنها در مرکز و شمال غربی ساکن شدند و دولت ماد را تشکیل دادند. تمدن مادها به دست «دیا‌اگو» پایه گذاری شد. از پادشاهان مهم این تمدن می‌توان «فرورتیش» و «هوخشتره» را نام برد. مادها شهر هگمتانه (همدان) را به عنوان پایتخت خود انتخاب کردند. هگمتانه که به دستور پسر فرورتیش ساخته شد دارای هفت قلعه تو در تو بود که هر قلعه دارای رنگی نمادین خاص خود بود. این قلعه‌ها رنگهای سفید، سیاه، ارغوانی، آبی، سرخ، نقره ای و طلایی داشتند که نشان دهنده آسمان و هفت اختر آن بودند. سه منطقه مهم در دولت ماد، همدان، ری، و نيسايه بين همدان و کرمانشاه بود. آثار مادها در تپه گیان نهاوند، تپه باباجانی لرستان، زیویه کردستان، گورستان B سیلک، تپه گودین کنگاور و تپه نوشی جان همدان به چشم می‌خورد.

از هنر مادها آثار زیادی برجا نمانده است، اما قدیمی‌ترین «ظروف سفالی لعابداری منقوش رنگین» که در ایران پیدا شده، مربوط به دوران مادها است.

تاریخ مادها را دارای دو دوره‌ی متفاوت دانسته‌اند:

۱- قبل از تشکیل پادشاهی بزرگ مادها

۲- پادشاهی بزرگ مادها

براساس این دو دوره، فرهنگ و هنر مادها نیز به دو دوره تقسیم شده است:

۱- دوره‌ای که با استقرار اقوام هند و ایرانی در دو طرف دریاچه اورمیه به ویژه ناحیه «آمادای» آغاز شد و تا زمان امپراطوری مادها یعنی ۷۱۲ قبل از میلاد ادامه یافت.

۲- دوره‌ای که از تشکیل امپراطوری ماد تا انقراض آن یعنی تا سال ۵۵۰ قبل از میلاد ادامه پیدا کرد.

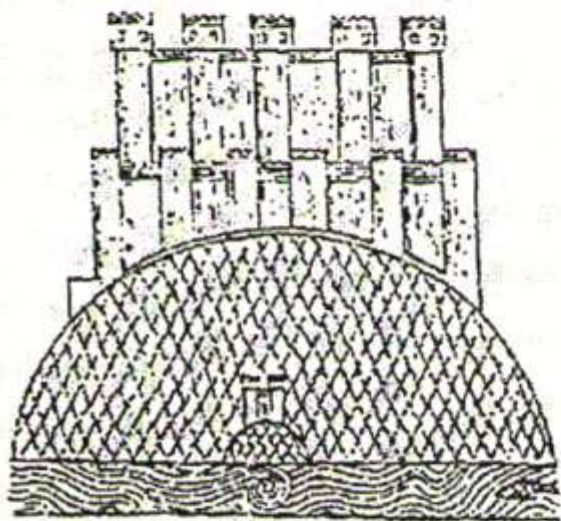
معماری مادها

مادها در معماری بیشتر متأثر از کلد و آشور بودند. آنها از آجر و ملات گچ استفاده می‌کردند و طاقهای قوسی در معماری بناها به کار می‌بردند.

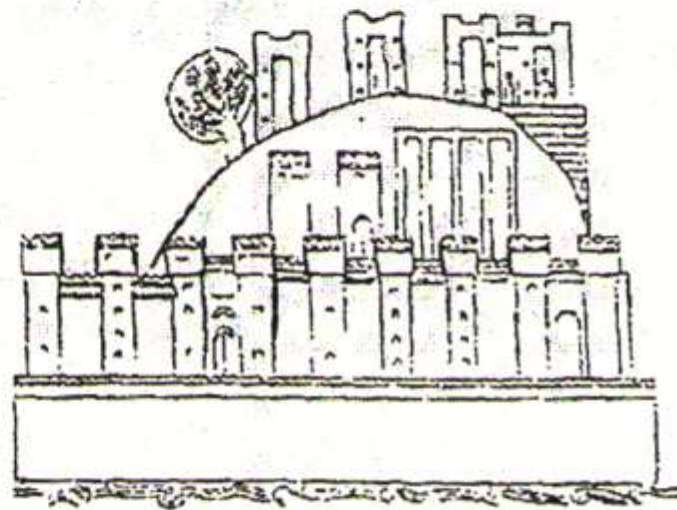
از زمان مادها استفاده از پنجره نما در معماری آغاز شد، نمونه این پنجره نماها که به آن «پنجره کور» نیز می‌گویند در نوشی جان دیده می‌شود.

در هنر معماری مادها، به خصوص در دوره اول، محل‌های مسکونی مستحکم دژ گونه‌ای به نام «آلانی دَننوتی» و نقاط مسکونی کوچک دیگری در اطراف آن به نام «آلانی سهروتی» از طرف مردم ساخته می‌شد و ساکنان این محل‌ها در هنگام ضرورت و یا حمله دشمنان درون آنها که حصاری با چند متر ضخامت و با ارتفاع زیاد آنها را در بر می‌گرفت، پناه می‌بردند. شکل ظاهری این دژهای مادی در برخی از نقش برجسته‌ها به جا مانده است، مانند دژ مادی «خارخار» که نقش آن روی نقش برجسته «دورشارکین» واقع در نینوا، و مربوط به اواخر قرن هشتم قبل از میلاد به جا مانده است. آشوری‌ها که در حملات مکرر خود به سرزمین ماد، این دژها را تصرف می‌کردند و پس از غارت اموال آنها را به آتش کشیده و کاملاً ویران می‌کردند، نقش این دژ را در کاخ دورشارکین، حک کرده‌اند.

یکی از برجسته‌ترین استحکامات دوره مادی، استحکامات شهر هگمتانه، اولین مرکز حکومتی مادها در غرب ایران بود، که اثری از آن به جا مانده است.



الف) دژ مادی از روی نقش برجسته دورشاروکین (پایان قرن ۸ ق. م)



دژ مادی خارخار از روی نقش برجسته دورشارکین (پایان قرن هشتم ق. م)

«آرامگاه‌های دخمه‌ای» از مهم‌ترین بناهای باقی مانده از دوران مادها می‌باشند. مادها که دین زرتشت را پذیرفته بودند بر طبق سنت، بزرگان و شاهان را در مقابر دخمه مانندی که در کوه‌ها کنده شده، دفن می‌کردند. این آرامگاه‌ها، اغلب اتاقی ساده به شکل مکعب مستطیل بود.

مهم‌ترین بناهای به جا مانده از مادها عبارتند از:

- تپه نوشی جان، در ۶۰ کیلومتری جنوب همدان

- تپه گودین در ۱۲ کیلومتری جنوب شرقی کنگاور

- آرامگاه سکاوند در هرسین کرمانشاه

- آرامگاه دخمه ای داو دختر در فارس (داو یعنی مادر)

- آرامگاه فخرگاه در کردستان

- دکان داوود در همدان (سر پل ذهاب)

- آرامگاه (گور دخمه) صحنه

- آرامگاه (گور دخمه) قیزقاپان

- آرامگاه (گور دخمه) کورخ کیچ

- آرامگاه (گور دخمه) روانسر

- آرامگاه (گور دخمه) برد عاشقان در سر پل ذهاب

- آرامگاه (گور دخمه) سان رستم یا سنگ رستم در جنوب غربی کرمانشاه

- آرامگاه (گور دخمه) سراب قره بلاغ در شمال غربی سر پل ذهاب

- آرامگاه (گور دخمه) دینور در بیستون

نقش برجسته مادها

مادها با نقش برجسته‌هایی که رویدادهای مهم مانند پیروزی آنها بر دشمنان و یا مراسم مذهبی را نشان می‌داد، اطراف مقابر دخمه‌ای را می‌آراستند. بعضی از نقش برجسته‌ها نیز به طور مستقل بر روی قسمتی از کوه‌ها حجاری می‌شد. حجاری‌های مادها متأثر از هنر اقوام بین‌النهرین است.

نوشیجان تپه

این تپه در ۶۰ کیلومتری جنوب استان همدان و ۲۰ کیلومتری غرب شهرستان ملایر قرار دارد. این تپه ۸۰ متر طول و ۳۰ متر عرض دارد و دارای ۳۷ متر ارتفاع است. در این تپه آثاری از دوره ماد، هخامنشی، و پارتی به دست آمده است، و مهم‌ترین این آثار مربوط به زمان سکونت قوم ماد در این تپه می‌باشد. بقایای ساختمانی به دست آمده در این منطقه نشان‌دهنده اشغال و سکونت تپه در نیمه دوم قرن هشتم تا نیمه اول قرن ششم قبل از میلاد توسط مادها است. آثار ساختمانی به دست آمده از این تپه: «اولین آتشگاه (بنای قدیمی جبهه غربی)، آپادانا (تالار ستون‌دار)، دومین نیایشگاه (معبد مرکزی)، اطاق‌ها و انبارها، تونل، حصار دژ.»

در این تپه، علاوه بر آثار معماری و سفالین، گنجینه معروفی نیز کشف شده است. این مجموعه شامل بیش از ۲۰۰ شیء نقره‌ای کوچک می‌باشد، که شامل مهره‌ها و حلقه‌های کوچک به قطر ۲/۶ سانتی‌متر، گوشواره و... می‌باشد. ظروف سفالی یافت شده در این تپه به ۴ دسته تقسیم شده‌اند:

«قطعه سفال‌هایی مربوط به ظروف بزرگ، ظروف خاکستری، ظروف آشپزخانه، ظروف ترد و خرد شوند. که به

علت وجود ذرات آهکی در خمیره آنها و حرارت کم، ظروف وارفته نامیده شده‌اند.»

گودین تپه

این تپه تقریباً در حدود ۱۲ کیلومتری جنوب شرقی کنگاور نزدیک کرمانشاه در حوالی بین کردستان و لرستان قرار دارد. گودین تپه منطقه وسیعی است که مرکز ارتفاعات آن دارای مساحتی در حدود ۵ هکتار و ارتفاع تقریبی ۲۶ متر می‌باشد. گودین تپه یکی از بزرگترین تپه‌های باستانی این منطقه است و ابعاد اصلی آن حدود 300×450 متر می‌باشد.

اشیاء یافت شده در این تپه را برای دوره‌های مختلفی دانسته‌اند که طبقه II آن را حدود ۸۲۴ قبل از میلاد دانسته‌اند.



تپه باباجان

این تپه در نورآباد، در دشت دلفان و حدود ۱۷۰ کیلومتری لرستان قرار دارد. تپه باباجان در نیمه شرقی پیشکوه و بین کوه سفید و کوه گرم قرار دارد و نزدیک بخش سفلی رودخانه قیزکشتگان و در حاشیه جنوبی دشت دلفان می‌باشد.

گور دخمه‌های دوران ماد

آرامگاه سکاوند (اسحق وند)

سه اثر صخره‌ای در کنار یکدیگر مربوط به دوره مادها در ناحیه سکاوند یعنی ۱۵ کیلومتری بین غرب و جنوب غربی (هرسین باختران) وجود دارد که دخمه سومی از دو گور دخمه‌ی دیگر مرتفع‌تر می‌باشد. سومین گور دخمه سکاوند که در طرف راست دو گور دخمه دیگر قرار دارد، ۴ متر از زمین‌های اطراف ارتفاع دارد و عمق آن در داخل نیز حدود ۴ متر می‌باشد. در بالای ورودی گور دخمه میانی تصویر مردی با لباس مادی کنده شده است که ۱/۸۷ متر بلندی دارد و دست‌هایش را در حال نیایش به طرف بالا گرفته است و در مقابلش مشعلی در حال سوختن است و پس از آن آتش‌دانی قرار دارد. در سمت راست آتش‌دان پیکر شخصی به بلندی ۷۹ سانتی‌متر دیده می‌شود که دست‌هایش را به طرف بالا بلند کرده و از پشت سر میله‌ای را گرفته است.



سکاوند . آرامگاهی در دامنه کوه، قرن ۶-۷ ق. م

گور دخمه صحنه

دو اثر صخره‌ای به فاصله ۱۰۰ متر بر سینه کوهی که در شمال صحنه که در محل آن ناحیه را سراب می‌نامند وجود دارد که آنها را مربوط به مادها دانسته‌اند. این محل در ۶۰ کیلومتری شهر کرمانشاه بر سر راه همدان به کرمانشاه است. دو اثر صخره‌ای نقش شده در این محل عبارتند از:

۱- مقبره کیکاوس که «هر تسفلد» آن را «شیرین و فرهاد» نامیده است. کردها این مقبره را «شیرین گورا» یعنی شیرین بزرگ می‌گویند.

۲- «بوچکه» یا شیرین کوچک، که در فاصله ۱۰۰ متری سمت راست مقبره شیرین و فرهاد قرار دارد و طاق هلالی دارد.

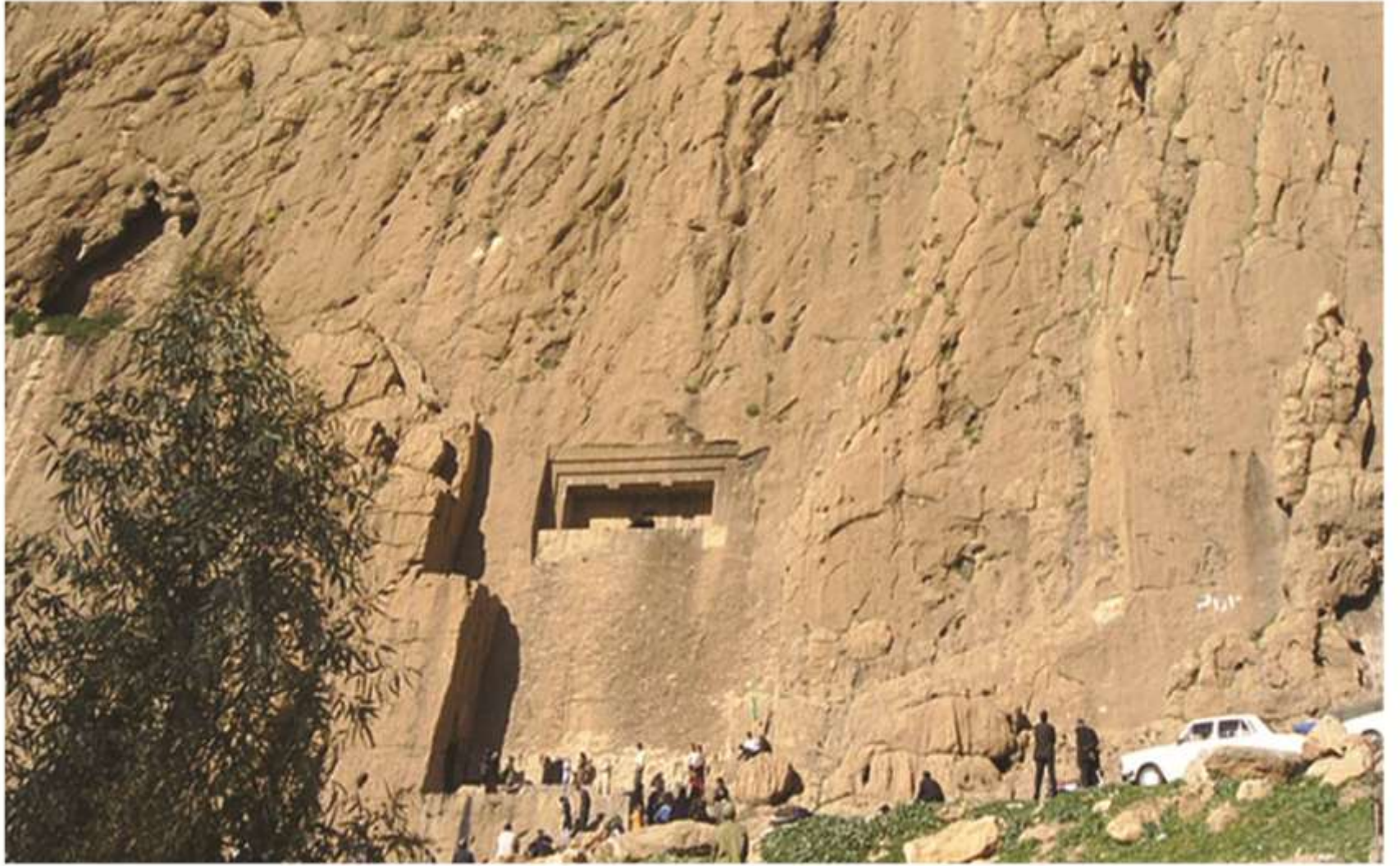
دو ستون سنگی که دارای ته ستون‌های ناقوسی هستند در ورودی مقبره کیکاوس یا شیرین و فرهاد دیده می‌شوند. یک قرص خورشید بالدار که علامت «اهورا مزدا» می‌باشد در نمای بالای ورودی آن دیده می‌شود. «قرص خورشید بالدار» سمبلی است که ابتدا آشوری‌ها و بعدها مادها و هخامنشی‌ها آن را مورد استفاده قرار داده‌اند. این سمبل پس از ورود از فرهنگ آشوری به فرهنگ ایران، اهورا مزدا نامیده شده است.



گور دخمه دکان داوود

در جنوب شرقی سر پل ذهاب، حدوداً ۲/۵ کیلومتری شهر از کرمانشاه به سر پل ذهاب، مقبره‌ای صخره‌ای به نام «کل داوود» و یا «دکان داوود» بر سینه کوه کل داود، کنده شده است. این گور دخمه نیز مانند مقبره شیرین و فرهاد، ایوانی در جلو، و مدخلی در وسط ضلع روبه‌رو و در دو طرف ورودی مقبره بقایای دو پاستون و دو سر ستون سنگی دیده می‌شود. پاستون‌ها ساده و به‌صورت مربع می‌باشد. تصویر مردی که لباس مادی دارد و برسمی که معمولاً از برگ خرما درست می‌کردند، در دست چپ گرفته و دست خود را به حالت نیایش به طرف بالا نگه داشته است، بر سنگ حجاری شده است.





گور دخمه فخریکا (فخرگاه)

در شمال شرقی مهاباد، در سر راه مهاباد به میاندوآب، اثر صخره‌ای از دوران ماد وجود دارد که گور دخمه فخریکا نامیده می‌شود. این مقبره تنها یک اختلاف با مقابر صخره‌ای دیگر دارد و آن این است که در این مقبره دیوار انتهایی ایوان دیده نمی‌شود و از ایوان تا انتهای مقبره حالت یکپارچگی دارد و علاوه بر آن، اطاق مقبره دارای دو ستون آزاد است که پا ستون‌ها به شکل مکعب می‌باشد.

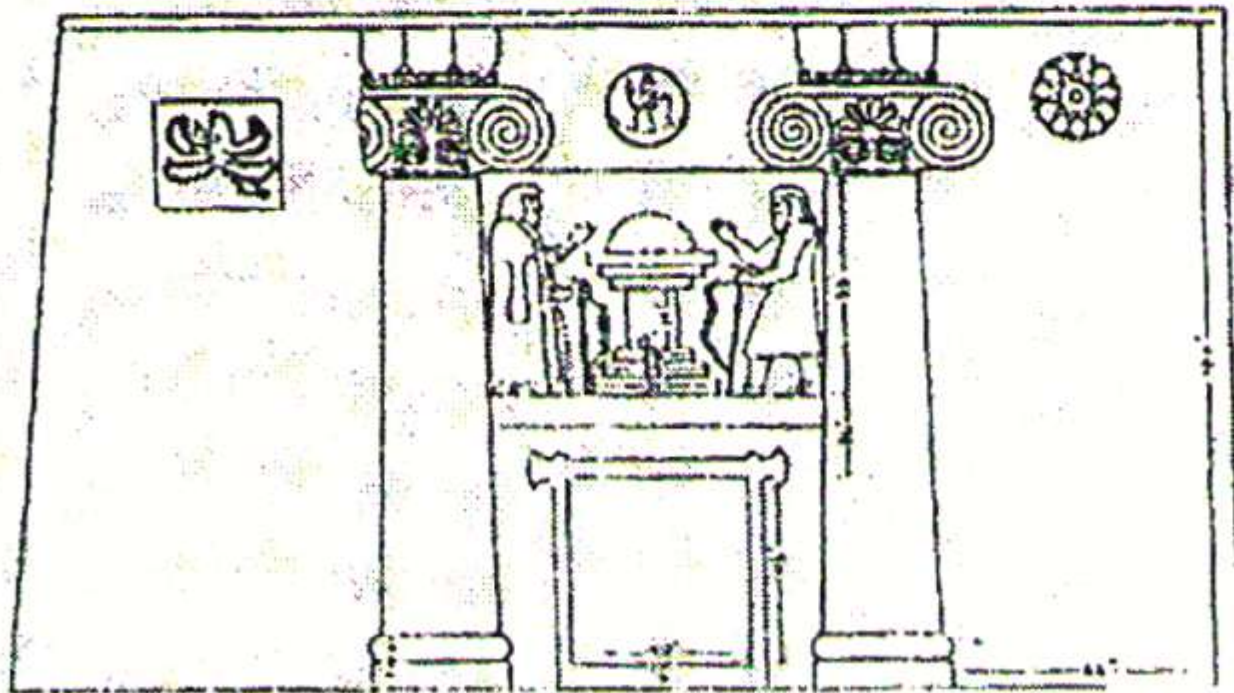




گور دخمه قیزقاپان

مقبره‌ای از دوران مادها در دهکده سورداشی نزدیک سلیمانیه عراق وجود دارد که قیزقاپان نامیده می‌شود. سطح بیرونی این گور دخمه ۷ متر طول، ۲/۸۹ متر عرض و ۴/۱۱ متر ارتفاع دارد و کلاً به صورت ستوندار تراشیده شده بود. در بخشی از نقوش کنده شده بر این صخره دو انسان در دو طرف یک آتشدان نشان داده شده‌اند که رویشان به آتشدان است. پیکر انسان‌ها در حدود ۱/۳۲ متر بلندی دارد، و دست راست هر دو به طرف بالا و جلو بلند شده و با دست چپ نوک یک کمان شبیه به کمان سکاها را نگهداشته‌اند یک قاب تقریباً چهار گوشه در ارتفاع $2/7^{\circ}$ متری از سطح کف که 7° سانتی‌متر عرض دارد در این نقش برجسته دیده می‌شود، که به شکل یک انسان بالدار که به طرف چپ نگاه می‌کند نشان داده شده است، که شباهت زیادی به پیکر اهورامزدا بیستون و پیکر تراشی‌های هخامنشی دارد.





گور دخمه کورخ کیچ

این گور دخمه در ۲۵ کیلومتری قیزقاپان در استان سلیمانیه عراق در دهکده شورناخ بر دامنه کوه بنزاد قرار دارد. این گور دخمه توسط کردها «اشکفت کورخ کیچ» یا گور دخمه دختر و پسر نامیده می‌شود. ایوانی در جلو دارد و کف بیرونی ۶/۷۲ متر طول و ۱/۹۵ متر پهنا دارد. فقط یک ستون داشته که حدود ۶۰ سانتی‌متر از دیوار فاصله داشته است.

گور دخمه داودختر (دی و دور)

یک گور صخره‌ای به نام «داودختر» به معنی مادر و دختر در فهلیان، ممسنی فارس، در کوه اونری، در آن سوی تنگ سیر، وجود دارد. دو جفت نیم ستون در هر طرف ورودی این گور دخمه تراشیده شده و در زیر جلو قبر یک دیوار صاف عمودی به ارتفاع ۳ متر بریده شده است. سر ستون‌ها به سبک ایونیک و حمال‌های مکعبی روی آنها نشانگر مشابهت آن به هنر یونان می‌باشد.



گور دخمه داودختر (دی و دور)

گور دخمه روانسر

در دهستان روانسر، بر سر راه کرمانشاه به پاوه، گور دخمه‌ای در جهت مشرق در کوه کنده شده است. ورودی این مقبره مستطیل شکل بوده و ابعاد آن حدود 92×75 سانتی‌متر بود.

آثار صخره‌ای دیره

در محلی به نام دیره، که بین راه دیره سر پل ذهاب واقع شده، گور دخمه‌ای از دوره مادی به جا مانده است که آن را «فرای‌کن» یا «طاق فرهاد» و اطاق فرهاد می‌نامند. این گور دخمه حدود ۵ متر از سطح زمین‌های اطراف بالاتر است و در دل صخره کنده شده است.

این مقبره ۶ متر طول، ۳/۲۵ متر عرض و ۲/۱۵ متر ارتفاع دارد، و در انتهای آن دو پله به طول ۱/۳۴ متر وجود دارد و از طریق این پله‌ها به اطاق مستطیل شکل وارد می‌شوند.